



فصلنامه گویش پژوهی

نشریه علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶
دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴



تحلیل زبانی و فرهنگی نامه‌ای از یک بانوی سغدی ساکن در چین

Linguistic and Cultural Analysis of a Letter from a Sogdian Lady Living in China

Azadeh Heidarpour¹ ✉

¹ Associate Professor of Ancient Culture and Languages, Department of Ancient Languages and texts, Research Center for Linguistics, Inscriptions and texts, Research Institute for Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran. Corresponding author: A.heidarpour@richt.ir

آزاده حیدرپور^۱ ✉

^۱ دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه زبان‌های باستانی و متون کهن، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران. نویسنده مسئول: A.heidarpour@richt.ir

چکیده

از زبان سغدی در دوره باستان اثری برجای نمانده است و آثار دوره میانه آن به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم می‌شوند. «نامه‌های سغدی» از مهم‌ترین اسناد تاریخی و کهن‌ترین آثار مکتوب این زبان و نیز از قدیمی‌ترین نوشته‌های موجود بر روی کاغذ به شمار می‌روند. این مجموعه شامل نه نامه است که پنج نامه تقریباً کامل و چهار نامه ناقص‌اند و در سال ۱۹۰۷، سر اورل استین، باستان‌شناس انگلیسی، آنها را از ویرانه‌های یک برج دیده‌بانی متعلق به دیوار چین کشف کرد. اگرچه درباره تاریخ نگارش نامه‌ها میان زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد، سیمز ویلیامز و همکارانش با استناد به مطالب و رویدادهای تاریخی منعکس‌شده در متن، تاریخ آنها را به سال‌های ۳۱۳ تا ۳۱۴ میلادی نسبت داده‌اند. این نامه‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ کهن سغدی، مهاجرت آنان به آسیای مرکزی، پراکندگی ایشان در امتداد جاده ابریشم و رویدادهای شهرهای مهاجرنشین ارائه می‌کنند. دو نامه، شامل نامه‌های شماره یک و سه، به قلم بانوی سغدی به نام میونای است که در دوران قحطی و جنگ در دون‌هوانگ چین رها شده بود؛ نامه نخست خطاب به مادر و نامه سوم خطاب به همسر اوست. پژوهش حاضر با بررسی زبانی و ترجمه نامه نخست، محتوای آن را از منظر جایگاه فرهنگی زنان سغدی و مشکلات شخصی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی این بانوی مهاجر بررسی می‌کند.

Abstract: No evidence of the Sogdian language has survived from antiquity, while Middle Sogdian materials are broadly divided into religious and non-religious texts. The Sogdian Letters are among the earliest written records of the language and some of the oldest surviving texts on paper. The collection comprises nine letters, five nearly complete and four fragmentary, discovered in 1907 by the English archaeologist Sir Aurel Stein among the ruins of a watchtower associated with the Great Wall of China. Although their date remains debated, Sims-Williams and colleagues have dated them to 313–314 CE based on historical events and information mentioned in the texts. The letters provide valuable evidence for the early history of the Sogdians, their migration to Central Asia, their dispersal along the Silk Road, and events in Sogdian migrant communities. Letters 1 and 3 were written by a Sogdian woman named Miwnay, who was left in Dunhuang during famine and warfare. Letter 1 was addressed to her mother and Letter 3 to her husband. This study linguistically analyzes and translates Letter 1, examining its content with particular attention to the cultural status of Sogdian women and Miwnay's personal, historical, political, and social difficulties.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱

واژگان کلیدی

نامه سغدی
چین
آثار غیردینی
آسیای میانه

History

Received: June 11, 2025
Accepted: Aug. 22, 2025

Keywords

Sogdian letter
China
non-religious works
Central Asia

استناد: حیدرپور، آزاده (۱۴۰۴). تحلیل زبانی و فرهنگی نامه‌ای از یک بانوی سغدی ساکن در چین. گویش پژوهی، ۱(۲)، ۳۷-۴۴.

<https://doi.org/>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

پیش از آن که نامی از سغد در کتیبه‌ها و دست‌نوشته‌های باستانی مانند سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی و نیز گزارشات مورخان یونانی برده شود، نخستین بار نام این سرزمین در کتاب مقدس ایرانیان یعنی اوستا به صورت سوغد^۱ آمده است و به‌عنوان دومین کشوری که اهورامزدا پس از ایران ویج آفریده، به حساب می‌آید و همراه با شانزده کشور دیگر از آن با عنوان ائیری‌شین^۲ یعنی اقامتگاه ایرانیان یاد می‌کنند (قریب، ۱۳۷۲: ۲۰؛ قریب، ۱۳۸۶: ۱۹؛ داعی‌الاسلام، ۱۳۶۱: ۱۲؛ گلدنر^۳، ۱۸۸۶). زبان سغدی زبان مردمان سغد است که مهم‌ترین شهرهای آن سمرقند و بخارا بوده است. از زبان سغدی در دوره باستان اثری برجای نمانده است.

چنان که می‌دانیم زبان‌شناسان، زبان‌های ایرانی میانه را بر پایه قوانین زبان‌شناسی به دو گروه زبان‌های ایرانی میانه غربی و زبان‌های ایرانی میانه شرقی تقسیم می‌کنند. از آن میان زبان سغدی که روزگاری به‌عنوان زبان میانجی در طول جاده ابریشم و آسیای میانه رواج داشته است، همانند زبان‌های هم‌خانواده خود یعنی خوارزمی، بلخی، ختنی و غیره در گروه زبان‌های ایرانی میانه شرقی جای می‌گیرد. آثار به‌جای‌مانده از زبان سغدی شامل دو گروه اصلی متون دینی و متون غیردینی می‌شوند که هر دوی این متون در شناساندن ادبیات سغدی نقش به‌سزایی دارند؛ البته متون دینی که بیش‌تر در تورفان و تون‌هوانگ یافت و توسط سغدی‌ان مهاجر در این نواحی نوشته شده‌اند، در بر دارنده مطالب مربوط به ادیان بودایی، مانوی، مسیحی و زرتشتی هستند و زبان‌شناسان وجه مشخصه آثار دینی سغدی را اساساً عدم اصالت آن‌ها می‌دانند؛ هرچند که ترجمه آن‌ها توسط مترجمین مجرب صورت گرفته، ولی باز هم دارای معایبی چون ترجمه‌های تحت‌اللفظی، مضامین مجهول و اصطلاحات ساختگی می‌باشند که شاید یکی از دلایل آن عدم دریافت معانی متن اصلی توسط مترجم باشد. با وجود آن که تعداد متون غیر دینی بسیار کمتر از متون دینی است، اما از اصالت بیشتری نسبت به متون دینی برخوردار هستند. قدیمی‌ترین این آثار را می‌توان نوشته‌های سغدی حک‌شده بر روی سکه‌های سغدی دانست که از سرزمین اصلی سغد و نیز دیگر نقاط آسیای میانه به‌دست آمده‌اند. اگرچه که در تاریخ و خوانش آن‌ها اطمینانی وجود ندارد، ولی گمان می‌رود که کهن‌ترین آن‌ها مربوط به نیمه قرن دوم میلادی باشد. اما آثار دیگر غیردینی شامل نامه‌های باستانی، اسناد کوه مغ، کتیبه‌های کشف‌شده از پاکستان، مغولستان، ازبکستان و نیز چند داستان کوتاه با اصالت هندی، سریانی، یونانی و ایرانی هستند (قریب، ۱۳۸۶: ۲۳۹-۲۳۲؛ قریب، ۱۳۹۴: ۴۳۵-۴۳۲؛ زرشناس، ۱۳۸۴: ۴۸؛ خروموف، ۱۳۸۱: ۲۹؛ درسدن^۴، ۱۳۵۳: ۲۹-۱۳؛ سیمز-ویلیامز^۵، ۱۹۷۶: ۷۴-۷۳؛ هنینگ^۶، ۱۹۴۵: ۴۸۷-۴۶۵). از جمله مهم‌ترین آثار غیردینی سغدی که در خرابه‌های یکی از برج‌های دیده‌بانی بخش شمال غربی چین، همراه با چند قطعه چوب نوشته به زبان چینی در سال ۱۹۰۷ کشف شد، نامه‌هایی موسوم به نامه‌های باستانی است (رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۹۹؛ قریب، ۱۳۹۴: ۴۳۶؛ بارتولد، ۱۳۵۸: ۴۴۲؛ خروموف، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۱).

۲. نامه‌های باستانی

سغدی‌ها که سرزمین آنان واقع در آسیای میانه، بر سر راه جاده ابریشم بود از سده‌های نخستین میلادی و با رونق گرفتن جاده ابریشم به بازرگانی مشغول بودند و برای رونق کار خود به سفر و مهاجرت می‌پرداختند. اگرچه، تاریخ نخستین مهاجرنشین‌های سغدی در ترکستان چین تا کنون به‌طور دقیق مشخص نشده است، اما قدیمی‌ترین نامه‌های این مهاجرنشینان که در یکی از خرابه‌های برج‌های دیده‌بانی بخش شمال غربی دیوار چین، در سال ۱۹۰۷ میلادی

^۱ Suyāda

^۲ Airyo-Shayana

^۳ K. Geldner

^۴ Dresden

^۵ N. Sims-williams

^۶ W. B. Henning

کشف شدند، مربوط به سده‌های اول تا دوم میلادی هستند. این نامه‌ها از کهن‌ترین اسناد نوشته‌شده بر روی کاغذ به‌شمار می‌روند و به نام نامه‌های باستانی سغدی مشهور هستند و تفاوت عمده‌شان با متن‌های دینی، علاوه بر محتوای غیردینی آن است که به سبکی ساده و زبانی متداول و محاوره‌ای نوشته‌شده‌اند. به همین دلیل، حاوی تعداد زیادی لغات و اصطلاحاتی هستند که در زندگی روزمره سغدی‌ان به کار رفته‌اند. تعداد نامه‌های باستانی سغدی حدود ۱۰۰ نامه است که از این تعداد پنج نامه کامل و چهار نامه ناقص است. تعدادی از این نامه‌ها اسنادی با قطعات مختلف هستند، به‌طوری‌که کوتاه‌ترین آن‌ها تنها شش سطر را در بر می‌گیرد. از محتوای نامه‌ها چنین برمی‌آید که مقصد تنها یکی از آن‌ها شهر سمرقند بوده و بقیه قرار بوده که به شهر لولان ارسال شوند. محتوای این نامه‌ها، موضوعاتی چون دشواری‌های زندگی سغدی‌ان ساکن در چین، تأخیر در مراسلات، قیمت کالاها و تعداد سغدی‌ان مهاجرنشین در شهرهای مرزی چین را شامل می‌شده است. به‌عنوان مثال در آن زمان، در شهر دون‌هوانگ حدود صد سمرقندی و در شهر کوچان حدود چهل تن زندگی می‌کردند. این نامه‌ها همچنین رویدادهای سیاسی آن زمان را نیز شامل می‌شده که مهم‌ترین رویدادها مذکور در این نامه‌ها، تخریب شهر لویانگ، پایتخت شمالی چین، توسط هون‌ها بوده است. این نامه‌ها از نقطه‌نظرهای دیگر هم جالب توجه است. چنانکه مثلاً با مطالعه آن‌ها به تعارفات، احوال‌پرسی‌ها و خطاب‌های معمول مردمان آن زمان و نیز شیوه‌های نگارش نامه، محل نگارش، آدرس گیرنده و فرستنده، پی‌می‌بریم (خروموف، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۲؛ زرشناس، ۱۳۸۷: ۱۷؛ ارانسکی، ۱۳۵۸: ۱۹۸؛ رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۹۹).

۳. تاریخ نگارش نامه‌های باستانی سغدی

درباره تاریخ نگارش این نامه‌ها به چند دلیل اختلاف نظر وجود دارد، یکی این‌که چون این نامه‌ها همراه با چند چوب نوشته به خط چینی کشف شده‌اند که تاریخ آن‌ها به حدود قرن اول میلادی باز می‌گردد و از آنجا که اختراع کاغذ به حدود سال ۱۰۵ یا قرن دوم میلادی می‌رسد، برای همین عده‌ای با در نظر گرفتن این دو موضوع تاریخ ۱۳۷ میلادی را برای زمان نگارش این نامه‌ها پیشنهاد می‌دهند (قریب، ۱۳۹۴، ۴۳۶؛ هنینگ، ۱۹۴۸: ۶۰۱-۶۱۵؛ هنینگ، ۱۹۷۵: ۶۰۱؛ سیمز-ویلیامز، ۱۹۹۸: ۹۷-۱۰۶). اما دسته‌ای دیگر از زبان‌شناسان مانند هنینگ (۱۹۷۵: ۶۰۲-۶۰۴)، به دلایل زیر به این نتیجه رسیده‌اند که تاریخ نگارش این نامه‌ها باید زمانی ما بین قرن دوم تا نیمه دوم قرن چهارم میلادی باشد:

- ۱- با توجه به خط و محتوای نامه‌ها و با مقایسه آن‌ها با خطوطی که در متون دوران بعدی به کار رفته است، مانند خط پیوسته سغدی در دست‌نوشته‌های بودایی در قرن پنجم میلادی و خط پیوسته اویغوری در قرن هفتم میلادی؛
- ۲- خط‌نوشته‌های سکه‌های بخارخدا که خط آن‌ها از قرن دوم تا هشتم میلادی بدون تغییر مانده است؛
- ۳- خط به‌کاررفته در خود نامه‌ها که کم و بیش قدیمی می‌باشند؛
- ۴- وجود چند هزارش به‌کاررفته در این نامه‌ها که در متون زمان‌های بعد مانند متن‌های بودایی و مانوی دیده نمی‌شوند؛
- ۵- عدم وجود نام‌های خانوادگی چینی در میان نگارندگان آن‌ها؛

اما برای رسیدن به زمان دقیق‌تر که میان این دو سده پیشنهادی می‌باشد، هنینگ به این موضوع نیز توجه نمود که در یکی از نامه‌ها به ویرانی شهر لویانگ پایتخت شمالی چین، توسط هون‌ها اشاره شده است. با این حال، این مشکل نیز وجود دارد که شهر مذکور در طول تاریخ چندین بار توسط هون‌ها به ویرانی کشیده شده و اولین زمان آن ۱۹۰ میلادی، دومین زمان سال ۳۱۱ میلادی و سومین بار آن ۵۳۵ میلادی می‌باشد. بنابراین باید به این موضوع توجه کرد که مقصود نامه، کدام یک از این ویرانی‌ها بوده است. با دقت بیشتر در محتوای نامه‌ها دیده می‌شود که یکی از آن‌ها دارای تاریخ سومین سال از سلطنت چیر وسوان، ماه تمیچ است و همچنین مقصد اکثر نامه‌ها شهر لولان بوده، که بنابر گزارشات تاریخی این شهر در آغاز قرن ۴ میلادی خالی از سکنه شده است و همچنین در یکی از نامه‌ها از

هون‌ها با عنوان دشمن چینیان نام برده شده است و همه این عوامل هنینگ و اکثر دانشمندان را به این نتیجه رسانده که تاریخ پیشنهادی ۳۱۳ میلادی، یعنی اندک زمانی پس از تخریب لویانگ در سال ۳۱۱ میلادی توسط هون‌ها، برای زمان نگارش این نامه‌ها از دیگر تاریخ‌ها مناسب‌تر است. اگرچه عده‌ای هم هنوز بر این باورند که تاریخ ۱۹۰ میلادی را هم نباید از نظر دور داشت (قریب، ۱۳۷۶: ۶۲۲؛ خروموف، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۰؛ بارتولد، ۱۳۵۸: ۴۲۲؛ رضایی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۰۰؛ هنینگ، ۱۹۷۵: ۶۰۲-۶۰۴).

در این‌جا باید یادآور شد که نامه‌های باستانی سغدی اطلاعاتی از شیوه نامه‌نگاری و آداب احوال‌پرسی، حوادث تاریخی شهرهای مهاجرنشین چین در سده‌های نخستین میلادی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. دو نامه اول و سومی که توسط بانوی سغدی مهاجر در چین نوشته شده است؛ نمایانگر سواد، فرهیختگی و میزان استقلال زنان سغدی در این برهه از زمان است. نام این بانوی سغدی مهاجر «میونای» بوده است و نامه نخست را برای مادرش که چاتیس نام دارد، نوشته است؛ محتوای نامه پس از سلام و احوال‌پرسی و دعا برای سلامت گیرنده نامه (مادرش)، مشتمل بر درد دل کردن در باب مضیقه‌های ناشی از جنگ، قحطی و فشار مادی و معنوی خاص از این دو رویداد است؛ میونای در پایان نامه، از مادرش طلب یاری می‌کند. متأسفانه این نامه و نامه‌های دیگر هرگز به مقصد نمی‌رسند و احتمالاً به دلیل فوت نامه‌رسان یا گم شده کیف حاوی نامه‌ها به اسناد تاریخی مهمی تبدیل می‌شوند. ترجمه فارسی این نامه سغدی بر اساس ترجمه نیکلاس سیمز ویلیامز انجام پذیرفته است.



شکل ۱: نامه بانوی سغدی برگرفته از استین، ۱۹۲۱: ۳۲۹

حرف‌نویسی نامه اول بانوی سغدی:

روی نامه:

- 1- MN δwγδryh mywz'yh "z'tch 'D pryw m'th c't'ysh "pryw nm"cyw 'PZY- š
- 2- šyr YWM ZK-ZY-β HZYH ZY δrwch 'ncyh 'HRZY MN ZK YWM prtr ZY

- 'YKZYβn xwty wyn'ymn
 3- pr δrwst'twh 'HRZY-m 'zm"nk k'δyw 'PZY- βn wyn'ymn 'HRZY βxtk nyst
 'HRZY-m
 4- ptškw't s'γ'r'k β'nkr'm 'HRZY β'nkr'm m'δ w'βt 'nyw ZY mδ' nnyδt pntw
 5- nyst 'YKZY 'rtyβ'n 'HRZY-m ptškw't 'rtyβ'n 'HRZY m'δ w'βt prnxwnt ZY
 6- 'xšnyβnt 'zw L' nm'w pδβyr't L' nm'w ptxwt 'HRZY prnxwnd m'δ
 7- m'δ w'βt kδ-ZY nyš kt'w'ndk γwtm L' ptsynd 'PZY-tn šw'y pyts'r 'k'w
 8- m'th 'YKZY-t 'zw škr'n 'HRZY pcks' 'YKZY nmcw' s'n tys't 'HRZY 'st kδ
 9- nnyδt tys't 'HRZY 'zw'm βyzβr'k 'pw nγ'wδn 'pw 'zγ'mk'HRZY xwyz'm p'rh
 10- 'HRZY-m nyδk nmt δβrt 'HRZY ptwyδ'm 'c βγn-ptw ZKw srδm'nytw
 ['HRZY-m m'δ wγtw-δ'rt] 'HRZY kδ
 11- šwy 'HRZY-tn 'zw 'xwštrw δβr'n 'HRZY mrt'xmk šwy' 'HRZY 'wy r'δyh
 12- šyr'kk ks'n 'HRZY-m wytwr kwny 'PZY-m δyγh prstyy

حرف نویسی پشت نامه:

- | | | |
|---|----------|---------|
| 1 | MN δwyth | 'D pryw |
| 2 | mywz'yh | m'th |
| 3 | "z'tch | ctys |

آوانوشت نامه اول سغدی:

- 1- [čan δu]γdarya Mēwānāy āz[ā]č ar [p]arēw māt čatis [ā]friw
 namā[čyu]
 2- utəti – š ? š[r] mēθ xoti – fa wēn ti δruč ančay ərti – [m xō] mēθ
 fratar ti kaδuti – fan [xut]ē wēnēm – (n)
 3- par δrustā[t]u ərti – man anmāk kāδyu utəti – fa wēnēm ərti baxtē
 nēst ərti – m
 4- patškwāt Sāyarak βānka[rā]m ərti βānka[rā]m [mā]δ wāβt anyā ti
 maδa Nanai[– dat] pan(d)taru
 5- nēst kaδuti Artewan ərti–m patškwāt Artewan ərti māδ wāβt Farn
 – xund ti
 6- əxšnē – βandē ərti čānu nē namu (ə)paθβērāt nē namu patxut ərti
 Farn – xund māδ
 7- māδ wāβt kaδūti niš katawandē xwatam nē patsēnd utəti – tan
 šawe patsār (ə)kō
 8- māt kaδuti – t azu škarān ərti pačkasa kaδuti nmčw' s'n tisāt ərti ast kaδ
 9- Nanai – dat tisāt ərti (ə)žawām βəžβarē (ə)pu niγōdan (ə)pu anyāmē
 ərti xwēzām pār ərti – m māδ waydu dārt
 10- ərti – m nēdē namat δβart ərti patwēdām ač βayn-patu awu
 sarδmānētū ərti kaδ
 11- šawe ərti – tan azu axuštru δβarān ərti martəxmē šawya ərti awi rāθī
 12- širē kunān ərti – m witūr kunē utəti – m δiγa frasta

آوانوشت پشت نامه:

- | | | |
|---|------------|----------|
| 1 | čan δuydar | ar parēw |
| 2 | mēwānāh | māt |
| 3 | Āzāč | [čatis] |

ترجمه فارسی روی نامه:

- ۱- از طرف دختر نجیبزاده (غیر برده) میونای به مادر(ش) چانیس، آفرین و نماز (او) را
- ۲- پس او را روز خوب (خواهد داشت)، آن که تو را سلامت و آرام ببیند، پس برای ما آن روز بهتر (خواهد بود) که خودم
- ۳- تو را در سلامت ببینم و بسیار مشتاقم که تو را ببینم و بخت نیست (بخت یار نیست).
- ۴- آنگاه من عرض کردم به ساگاراک رایزن، و رایزن چنین گفت: اینجا دیگر کسی به نانای ذات مانند اردوان نزدیک نیست.
- ۵- آنگاه من به اردوان چنین عرض کردم و اردوان به من چنین (پاسخ) گفت: فرنخوند خشنودی خدمتکاران (را جلب می کند)
- ۶- و چون با عجله رد کردم و با نفرت نپذیرفتم پس فرنخود
- ۷- چنین گفت: حال چون خویشاوند همسر (شما) قبول نکرد که تو به (نزد) مادرت روی
- ۸- چگونه من تو را همراهی کنم؟ پس صبر کن چنانچه خواهد آمد و پس هست اگر
- ۹- نانای ذات بیاید و (من) بدبخت زندگی می کنم، بدون پوشاک و بدون خوراک و درخواست وام دارم
- ۱۰- و هیچ کس به من (وام) نمی دهد و از روحانی (خبر) خوشی را هدیه گرفتم؛ پس به من چنین گفت:
- ۱۱- اگر بروی (پس) من تو را یک شتر خواهم داد پس باشد که مردی (با تو) بیاید و در راه
- ۱۲- به خوبی (از تو مراقبت) کند؛ پس باشد که (این را) انجام دهد تا این که (تو) برای من نامه بفرستی.

ترجمه فارسی پشت نامه:

از دختر آزاده (نجیبزاده) میونای
به مادر(ش): چاتیس

۴. نتیجه گیری

سغدیان به دلیل پیشه بازرگانی خود در تجارت جاده ابریشم، به عنوان میانجی نقش کلیدی مهمی داشتند. از این مردمان آثار دینی و غیردینی بسیاری به جای مانده است؛ نامه های باستانی سغدی یکی از آثار غیردینی سغدیان مهاجر در چین است که بعد از سکه های سغدی قرن دوم، کهن ترین آثار برجای مانده از این زبان، به حساب می آیند. چون نامه های باستانی سغدی، همراه با چند قطعه چوب نوشته به زبان چینی به دست آمدند دانشمندان احتمال می دهند که این نامه ها جزء اولین نوشته هایی باشند که بر روی کاغذ نوشته شده اند. همچنین هزوارش های به کاررفته در این نامه ها نشان از قدمت این نامه ها دارند. با بررسی رویدادهای تاریخی که در این نامه ها به آن ها اشاره شده، از جمله تخریب شهر لویانگ پایتخت شمالی چین توسط هون ها، تاریخ نگاران سه تاریخ ۱۹۰، ۳۱۱ و ۵۳۵ میلادی را برای این رویداد ارائه می دهند. اما تاریخ دوم یعنی حدود ۳۱۱ تا ۳۱۴ میلادی، برای زمان نگارش این نامه ها محتمل تر است. نامه نخست بانوی سغدی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، علاوه بر اهمیت زبان شناسی از نظر شیوه نامه نگاری و تعارفات و اصطلاحات مربوط به دعا و احوال پرسی و همچنین رویدادهای تاریخی و جنگ دارای اهمیت است. شیوه نگارش این نامه گویای سطح سواد، فرهیختگی و غیره بانوان در خانواده های نجیبزاده در آن برهه از زمان است. با این حال از محتوای نامه می توان پی برد که علی رغم نجیبزادگی و با سواد بودن این بانو، قوانین دینی، خانوادگی و اجتماعی آن دوره چنان دست و پاگیر بوده که اجازه سفر مستقل به بانوان سغدی را نمی داده است. در پایان باید یادآور شد که مجموعه نامه های سغدی که در کیف یک نامه رسان در خرابه های یک برج دیده بانی مربوط به دیوار چین کشف شدند؛

به دلیل مرگ نامه‌رسان یا گم شدن و اختفای کیف توسط وی هرگز به مقصد نرسیدند و به این دلیل به یکی از کهن‌ترین اسناد سغدی نوشته‌شده بر کاغذ تبدیل شدند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسنده اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت کرده است.

تعارض منافع

بر مبنای اظهار نظر نگارنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

آذربی، گیتی (۱۳۷۵). «ایران و جاده ابریشم هنر و تجارت در مسیر شاهراه‌های آسیا»، *ایران نامه*، ۱۴ (۲)، تهران: بنیاد مطالعات ایران. ۲۴۱-۲۶۴.

ارنسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۵۸). *مقدمه فقه اللغة ایرانی*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.

بارتولد، واسیلی، ولادیمیر ویچ (۱۳۵۸). *گزیده مقالات تحقیقی*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: امیرکبیر.

خروموف، آلبرت لئونیدویچ (۱۳۸۱). *سغدیان: پژوهشی در تاریخ، فرهنگ و وضعیت اجتماعی*. به اهتمام علی بهرامیان. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

داعی‌الاسلام، سید محمدعلی حسنی (۱۳۶۱). *وندیداد: حصه سوم/وستا*. چاپ دوم. تهران: دانش.

درسدن، مارک جان (۱۳۵۳). «زبان‌های ایرانی میانه». ترجمه احمد تفضلی. *نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران*، ۹ (۶)، ۱۳-۲۹.

رضایی باغبیدی، حسن (۲۰۰۹). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. اوساکا: مرکز پژوهش زبان‌های دنیا، دانشگاه اوساکا.

زرشناس، زهره (۱۳۸۱). «نخستین نوشته‌های ادبی ایرانی میانه شرقی». *نامه پارسی*. سال ۷ (۲۵)، ۵-۲۰.

----- (۱۳۸۳). «زبان سغدی در یک نگاه». *نامه پارسی*. سال ۹ (۱)، ۵-۲۶.

----- (۱۳۸۷). *دستنامه سغدی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سیمز ویلیامز، نیکلاس (۱۳۸۸). *آشنایی با زبان سغدی*. ترجمه ویدا نداف، محمد جعفرزاده و رستم وحیدی. تهران: فروهر.

قریب، بدرالزمان (۱۳۷۲). «سغدی‌ها: آسیای میانه و جاده ابریشم». در *یاد یار: مجموعه مقالات درباره آسیای مرکزی*، به کوشش مسعود مهرابی، جلد ۱، ۱-۲۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

----- (۱۳۷۶). «سغدی‌ها و جاده ابریشم». *ایران‌شناخت*. (۵)، ۲۴۶-۲۸۱.

----- (۱۳۸۳). *فرهنگ سغدی: سغدی - فارسی - انگلیسی*. چاپ دوم. تهران: فرهنگان.

----- (۱۳۹۳). «زبان سغدی». در *تاریخ جامع ایران*، جلد ۵، به کوشش سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۴۳۱-۴۸۲.

Azarpay, G. (1981). *Sogdian Painting: The Pictorial Epic in Oriental Art*. Berkeley, Los Angeles, and London: University of California Press.

----- (1996). "Iran and the Silk Road: Art and Trade along the Highways of Asia." *Iran Nameh*, 14(2), 241-264. Tehran: Foundation for Iranian Studies. [In Persian]

Bartold, V. V. (1979). *Selected Research Articles*, translated by Karim Keshavarz. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

Dā'ī al-Islām, S. M. A. H. (1982). *Vendidad: The Third Part of the Avesta*. 2nd ed. Tehran: Danesh. [In Persian]

- Dresden, M. J. (1974). "Middle Iranian Languages." Translated by Ahmad Tafazzoli. *Publication of the General Staff of the Imperial Iranian Army*, 9 (6), 13–29. [In Persian]
- Geldner, K. (1886- 18,6). *Avesta the sacret book of parisis* 3 volumes. Stuttgart.
- Gershevitch, I. (1945). *Sogdian compound*. IPS, 137-149.
- Gharib, B. Z. (1993). "The Sogdians: Central Asia and the Silk Road." In *Yad-e Yar: A Collection of Articles on Central Asia*, edited by Masoud Mehrabi, Vol. 1. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. 1–21. [In Persian]
- (1997). "The Sogdians and the Silk Road". *Iran-Shenakht*, (5), 246–281. [In Persian].
- (2004). *Sogdian Dictionary: Sogdian–Persian–English*. 2nd ed. Tehran: Farhangian Publications. [In Persian]
- (2014). "The Sogdian Language." In *The Comprehensive History of Iran*, Vol. 5, edited by Seyyed Mohammad-Kazem Mousavi Bojnordi. Tehran: Centre for the Great Islamic Encyclopaedia. 431–482. [In Persian]
- Henning, W.B. (1945) *sogdian tales*. BSOAS, 11, 465- 487.
- (1948). *Date of sogdian Ancient letters*. BSOAS, 12, 601- 615.
- (1975). *Date of ancient letters*. BSOAS,12,601-615
- Khromov, A. L. (2002). *The Sogdians: A Study of Their History, Culture, and Social Conditions*. Edited by Ali Bahramian. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Office .[In Persian]
- Oransky, I. M. (1979). *An Introduction to Iranian Philology*, translated by Karim Keshavarz. Tehran: Payam. . [In Persian]
- Rezaei Baghbidi, H. (2009). *History of the Iranian Languages*. Osaka: Research Center for World Languages, Osaka University. [In Persian]
- Sims-Williams, N. (1976). "The Sogdian Fragments of the British Library." *Indo-Iranian Journal*, 18(1–2), 43–82.
- (1979). "On the Plural and Dual in Sogdian." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. 42(2), 337–346.
- (1995). "Christian Sogdian Texts from the Nachlass of Olaf Hansen II: Fragments of Polemic and Prognostics." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 58(2), 288–302.
- (1996). "The Sogdian Merchants in China and India." In Alfredo Cadonna and Lionello Lanciotti (eds.), *Cina e Iran da Alessandro Magno alla dinastia Tang*. Florence: Leo S. Olschki Editore. 45–67.
- Sims-Williams, N. and G. Frantz and Étienne de la Vaissière (1998). "The Sogdian Ancient Letter V." *Bulletin of the Asia Institute*, 12, 91–104.
- Sims-Williams, N. (2009). *An Introduction to the Sogdian Language*. Translated by Vida Naddaf, Mohammad Jafarzadeh, and Rostam Vahidi. Tehran: Forouhar. [In Persian]
- Stein, A. (1921). *Serindia: Detailed Report of Explorations in Central Asia and Westernmost China*. Vol. 2. Oxford: Clarendon Press.
- Zarshenas, Z. (2002). "The Earliest Eastern Middle Iranian Literary Texts." *Nameh-ye Parsi*, 7(25), 5–20. [In Persian]
- (2004). "The Sogdian Language at a Glance." *Nameh-ye Parsi*, 9(1), 5–26. [In Persian]
- (2008). *A Handbook of Sogdian*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]